



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Political Divergence of the Islamic Ummah and the Strategy to Confront it from the Perspective of the Holy Quran

Seyed Asef Hosseini^{*1}, Mohammad Ali Qasemi², Mohamad Hossein Rafiei²

Received:

06 May 2025

Revised:

14 Jul 2025

Accepted:

19 Aug 2025

Available Online:

22 Dec 2025

Keywords:

Holy Quran,
Strategy, Political
Divergence,
Convergence, Islamic
Ummah.

Abstract

The contemporary Islamic world faces numerous challenges, the most significant of which is political divergence among Muslim countries. This division—rooted in internal factors such as ethnic and sectarian conflicts, nationalism, racism, and mutual distrust, as well as external interference and colonial policies—has weakened unity and harmed political and social structures in Islamic societies. Using an analytical–descriptive approach and referring to Qur’anic teachings, this article outlines strategies to address this issue. The study argues that overcoming political challenges is possible through returning to the Qur’an, the teachings of the Ahl al-Bayt (PBUT), and strengthening shared religious principles. Key strategies include promoting unity based on the Qur’an, avoiding divisive issues, enhancing social justice, emphasizing commonalities among Islamic schools, and resisting foreign influence. The aim is to provide practical solutions to reinforce solidarity among Muslims and create the conditions needed for greater unity and cooperation in the Islamic world.

1* Ph.D, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Please Cite This Article As: Hosseini, SA (2025). “The Political Divergence of the Islamic Ummah and the Strategy to Confront it from the Perspective of the Holy Quran”. *Interdisciplinary Legal Research*, 6(4): 31-43.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۳۱-۴۳)

واگرایی سیاسی امت اسلامی و راهبرد مقابله با آن از منظر قرآن کریم

سیدآصف حسینی*^۱، محمدعلی حسینی^۲، محمد حسین رفیعی^۲

۱. دکتری، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسؤل)

۲. استادیار، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

چکیده

جهان اسلام در عصر حاضر با چالش‌ها و بحران‌های جدی و متعددی مواجه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها واگرایی سیاسی امت اسلامی است و بقیه چالش‌ها به نوعی به این چالش برمی‌گردد. این امر عامل دوری امت اسلامی از یکدیگر شده و آسیب‌های جدی را به امت اسلامی وارد ساخته است و می‌توان گفت یکی از عوامل عقب‌افتادگی امت اسلامی واگرایی سیاسی است که جهان اسلام امروزه به آن مبتلا شده است. این واگرایی ناشی از مجموعه‌ای از عوامل پیچیده و گوناگون است که بر وحدت مسلمانان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم گذاشته است. اختلافات داخلی، فرقه‌گرایی، ملی‌گرایی، دخالت‌های خارجی، دنیاگرایی و داشتن سوءظن‌های متقابل نسبت به یکدیگر، از جمله مهم‌ترین این عوامل در کشورهای اسلامی هستند. بر اندیشمندان اسلامی است که این موضوع را از منظر قرآن کریم ارزیابی نموده و برای برون‌رفت از این وضعیت ناخوشایند با تمسک به قرآن کریم و آموزه‌های دینی اراده راهکار نمایند تا امت اسلامی از این وضعیت نجات پیدا کرده، به وحدت و همگرایی اسلامی برسند. این مقاله با رویکرد تحلیلی - توصیفی و استناد به آموزه‌های قرآن کریم به بررسی راهبردهای مقابله با واگرایی سیاسی در جهان اسلام می‌پردازد. فرض پژوهش بر این است که واگرایی سیاسی به دو دسته عوامل درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. عوامل درونی شامل قوم‌گرایی، مذهب‌گرایی، نژادپرستی، ملی‌گرایی و داشتن سوءظن‌های متقابل نسبت به یکدیگر است، درحالی‌که عوامل بیرونی به توطئه‌های استعمار و استکبار و دخالت آن‌ها در کشورهای اسلامی آن‌ها مرتبط می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای غلبه بر این چالش و دستیابی به وحدت اسلامی، ضروری است که به راهبردهایی مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم و سیره اهل بیت (ع) توجه شود. این راهبردها شامل دعوت به وحدت، با محوریت قرآن کریم، پرهیز از طرح مسائل اختلاف‌انگیز، جلوگیری از سلطه بیگانگان بر جوامع اسلامی، تأکید بر عدالت اجتماعی و برجسته‌سازی مشترکات مذاهب اسلامی می‌باشد. هدف نهایی این مقاله ارائه راهکارهای عملی است که بتواند به تقویت همبستگی میان مسلمانان و ایجاد بستری مناسب برای همکاری و هم‌پذیری در جوامع اسلامی منجر شود. با این رویکرد، می‌توان از آسیب‌های ناشی از واگرایی سیاسی جلوگیری کرده و افق‌های جدیدی را برای وحدت و همبستگی در دنیای اسلام گشود.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، راهبرد واگرایی سیاسی، همگرایی، امت اسلامی.

مقدمه

جهان اسلام با چالش‌های متعددی روبه‌رو است، یکی از مهم‌ترین آن‌ها واگرایی سیاسی و دوری از یکدیگر می‌باشد. این واگرایی نه تنها به آسیب‌های جدی به جامعه اسلامی منجر شده، بلکه از عوامل عقب‌افتادگی جهان اسلام در عصر حاضر نیز به‌شمار می‌آید. همگرایی سیاسی می‌تواند به توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جوامع اسلامی کمک کند و در مقابل واگرایی سیاسی موجب تفرقه و شکاف در نهادهای مختلف اجتماعی و فرهنگی می‌شود و ناامیدی و آشفتگی را جایگزین امنیت و رفاه می‌کند.

قرآن کریم به‌عنوان بهترین راهنما در این زمینه، عوامل واگرایی سیاسی را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌کند. عوامل درونی شامل قوم و نژادگرایی، مذهب و فرقه‌گرایی، سوءظن به یکدیگر و دنیاگرایی است. آیات قرآن بر لزوم پرهیز از این عوامل تأکید دارند و فضیلت انسان‌ها را براساس تقوا، نه نژاد و قبیله، معرفی می‌کنند.

عوامل بیرونی نیز شامل توطئه و نقش استعماری دشمنان اسلام است که همواره در تلاش برای ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بوده‌اند. قرآن مسلمانان را از نزدیکی و دوستی با این دشمنان برحذر می‌دارد و بر لزوم هوشیاری در برابر آن‌ها تأکید می‌کند.

برای مقابله با واگرایی سیاسی، قرآن کریم راهکارهایی ارائه می‌دهد که شامل تحکیم باورهای دینی، دعوت به وحدت و یکپارچگی و پرداختن به مشترکات مذاهب اسلامی است. همچنین احساس مسؤلیت در میان علمای اسلام و دوری از وابستگی به قدرتهای مستبد، پیاده‌سازی عدالت اجتماعی و پرهیز از مباحث اختلاف‌برانگیز نیز از دیگر راهکارهای مطرح شده در قرآن به‌شمار می‌روند.

این مقاله می‌کوشد با روش تحلیلی - توصیفی به این سؤال جواب دهد که راهبرد مقابله با واگرایی سیاسی امت اسلامی از منظر قرآن کریم چیست؟

به‌صورت قطع می‌توان ادعا کرد که مقاله‌ای تحت عنوان «راهبردهای مقابله با واگرایی سیاسی امت اسلامی از منظر قرآن کریم» تاکنون تدوین نشده، زیرا اگر عین همین موضوع کار شده بود، دیگر نیاز به آن نبوده و ما هم مجاز به اخذ آن

نبودیم، ولی تحقیقات پراکنده درخصوص موضوع واگرایی و اختلاف میان امت اسلامی صورت گرفته است که قابل تأمل است و در این زمینه مکتوبات هم وجود دارد، اما تحقیق جامع که واگرایی سیاسی امت اسلامی را به‌صورت علمی و کارشناسی از منظر قرآن کریم بررسی و برای مقابله با آن راهبرد سیاسی ارائه شده باشد، صورت نگرفته، بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که واگرایی سیاسی امت اسلامی را از منظر قرآن کریم بررسی نموده و برای همگرایی امت اسلامی راهبرد سیاسی ارائه شود. باتوجه به این‌که عین این موضوع تا حالا کار نشده، ولی کارها و اثرات علمی مثل کتاب، رساله، مقاله را می‌توان یافت که با این موضوع مرتبط می‌باشند.

اهدافی را که در این مقاله به‌دنبال آن هستیم، عبارت‌اند از:

۱- روشن‌شدن علت واگرایی سیاسی امت اسلامی از منظر قرآن کریم؛

۲- با روشن‌شدن علت واگرایی سیاسی امت اسلامی کوشش می‌شود راهبرد سیاسی مقابله با واگرایی امت اسلامی بیان گردد.

اگرچه تحقیقات پراکنده درخصوص موضوع واگرایی و اختلاف میان امت اسلامی صورت گرفته است که قابل تأمل است، اما تا آنجایی که بنده بررسی نموده‌ام، تحقیق جامع با عنوان «راهبردهای مقابله با واگرایی سیاسی امت اسلامی از منظر قرآن کریم» انجام نگرفته است، بنابراین این تحقیق واگرایی سیاسی امت اسلام را از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار داده و تلاش می‌کند راهبردهای مقابله با آن را از منظر قرآن کریم به بحث گیرد. از این جهت می‌توان ادعا کرد این نوشته از جهت پژوهشی نوآوری داشته و جدید می‌باشد.

۱- چهارچوب مفهومی

۱-۱- راهبرد

۱- واژه «راهبرد»، ترجمه کلمه «استراتژی» و ریشه یونانی دارد. این لغت به مفهوم فرمانده ارتش به‌کار رفته است. در ابتدا راهبرد به‌معنای هنر هدایت، مطابقت و هماهنگ‌سازی امکانات و نیروهای نظامی جهت مواصلت به هدف‌های جنگی در فنون نظامی استعمال می‌شد، اما به‌تدریج راهبرد به موضوعات دیگری چون راهبرد سیاسی، فرهنگی اقتصادی، مدیریتی و ... سرایت کرد. راهبرد، طرحی است جامع و منسجم که با استفاده

امروز طرفداران خاص خود را دارد و امروزه اکثر کشورها و دولت‌ها به آن متمایل‌اند تا از این راه صلح و امنیت را در کشور خود به‌وجود آورند (کریمی، ۱۳۸۹).

راهبرد قرآن به مجموعه اصول و راهکارهایی اشاره دارد که در قرآن کریم برای هدایت انسان‌ها به سوی زندگی بهتر، اخلاق نیکو و رسیدن به سعادت دنیوی و آخرتی ارائه شده است. این راهبردها می‌توانند به دسته‌های زیر تقسیم شوند:

امت اسلامی: کلمه «امت» از ماده «ام-یام» گرفته شده که به معنای قصد است. آقای آشوری در دانشنامه‌اش معتقد است: «کلمه امت اگر بر جماعت اطلاق شود، بر هر جماعتی اطلاق نمی‌شود، بلکه بر جماعتی اطلاق می‌شود که همه افراد آن دنبال یک مقصد و یک هدف باشند و این مقصد مشترک توانسته است افراد را گیرد هم جمع نموده و امت بر آن‌ها اطلاق می‌شود، فلذاست که می‌توان این کلمه را بر یک فرد هم اطلاق کرد» (زنجانی، ۱۳۷۷: ۲۸۸/۳). علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان مرزهای کشور اسلامی را جغرافیایی مشخص ندانسته، فقط مرزها را محدود به عقیده نموده و می‌فرماید: «اسلام مسأله تأثیر انشعاب قومی، در پدیدآمدن اجتماع را لغو کرده و اجازه نمی‌دهد صرف این که جمعیتی در قومیت واحدند، باعث آن شود که آن قوم از سایر اقوام جدا گردند و برای خود مرز و حدود جغرافیایی معین نموده و از سایرین متمایز شوند. بنابراین اسلام اعتبار این گونه انشعاب‌ها و امتیازات را لغو کرده و اجتماع را بر پایه عقیده بنا گذاشته است، نه بر پایه جنسیت، قومیت وطن و امثال آن‌ها» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۳۷۴/۴).

از این نظر می‌توان گفت هر فرد مسلمان که در کشورهای غیراسلامی و یا قلمرو دولت‌های کافر به سر می‌برد، از مجموعه امت اسلامی محسوب می‌شود.

۲- عوامل واگرایی سیاسی امت اسلامی

عوامل واگرایی سیاسی امت اسلامی را در ابتدا می‌توان به نوع درونی (داخلی) و بیرونی (خارجی) تقسیم کرد:

۱-۲- عوامل واگرایی درونی

عوامل درونی عبارت‌اند از قوم‌گرایی، مذهب‌گرایی، منطقه‌گرایی، زبان و نژادگرایی، داشتن سوءظن نسبت به یکدیگر.

بهینه از امکانات موجود و اتخاذ شیوه مناسب در کمترین فرصت هدف مورد نظر را به‌دست می‌آورد. آقای غفاریان معتقد است. «استراتژی یا راهبرد، راه و روش رسیدن به اهداف بلندمدت و حیاتی است. استراتژیک و راهبردی، موضوعی است که جنبه حیاتی دارد، یعنی در استمرار شاخص‌های حیات، اثر به‌سزایی دارد و معمولاً در محیط رقابتی اهمیت خود را نشان می‌دهد (غفاریان، ۱۳۸۲: ۲۴۷).

۲- واگرایی: لغت‌دانان واگرایی را مخالف و نقطه مقابل همگرایی دانسته‌اند. واگرایی به معنی دوری و تباعد و گسست اجزا از یکدیگر نیز آمده است. آقای دکتر حسن عمید هم در فرهنگ معروف خود، واگرایی را به معنی دوری و تباعد می‌داند (عمید، ۱۳۸۴: ۹۳/۱).

می‌توان گفت واگرایی عبارت است از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید» (قوام، ۱۳۷۰: ۲۹۹/۱).

در فرهنگ دهخدا ذیل واژه واگرایی چنین آمده است: «واگرایی به معنای متباعد، فرایند تغییر و تحول و دورشدن، مثل دورشدن گویش و زبان‌های از یکدیگر است» (دهخدا، ۱۳۵۲: ۹۵/۴۹).

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، لغت واگرایی که معادل «Divergence» هست، به معنای دورشدن از یکدیگر و حرکت در جهات مختلف از یک نقطه یکسان و مشترک معنا شده است، به‌گونه‌ای که فاصله دو امری که از یکدیگر دور می‌شوند، پی‌درپی ادامه می‌یابد (فرهنگ ۱۳ جلدی The Oxford English- At the Clarendon Press (Volum111).

۳- همگرایی: همگرایی عبارت است از فرایند که دولت‌ها یا سیستم‌های سیاسی پراکنده، به‌طور دلخواه و آگاهی لازم یک بخش از صلاحیت خود جهت رسیدن به هدف‌های مشترک دست برداشته و از یک قوه ما فوق ملی اطاعت و فرمانبری نمایند. در این فرایند تلاش بر این است حتی‌الامکان از مسائل تنش‌زا و اعمال ناسیونالیستی خودداری نموده و اعمال ملی‌گرایانه را کنار گذاشته و به اعمال که صلح و ثبات سیاسی را در پی دارد، رو بیاورند. این نظریه پس از جنگ جهانی دوم به‌صورت گسترده در میان اندیشمندان سیاسی مطرح شد و تا

۱-۱-۲- قوم‌گرایی

هویت قومی مجموعه مشخصات اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، روانی است که یک گروه را از گروه‌های دیگر متمایز ساخته و زمینه واگرایی سیاسی اجتماعی را فراهم می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت قوم‌گرایی در علوم اجتماعی برای توصیف رفتار انسان‌ها با تفاوت‌های فرهنگی به کار برده می‌شود که عموماً گرایش صحیح‌دانستن رسومات، سنت‌ها و رفتارهای خود و نادرست‌دانستن فرهنگ‌ها و رسومات دیگران است، زیرا اختلاط نژادی اقوام و از بین رفتن خلوص نژادی در مقدم‌بودن زبان و فرهنگ نقش دارند، نقش زبان در ایجاد هویت و وحدت قومی بیش از هر عامل دیگری نظر قوم‌گرایان را به خود جلب کرده، به‌گونه‌ای که گاهی با نادیده‌گرفتن تاریخ و فرهنگ اقوام، زبان را در ایجاد هویت قومی و ناسیونالیستی کافی می‌دانند. ساطح حصری نظریه‌پرداز معروف، قوم‌گرایی عرب می‌گوید «همه کسانی که زبان مادری آنان عربی است، عرب‌اند»، از نظر او حیات یک ملت به زبان او بستگی دارد و ملتی که تاریخ خود را فراموش کند، ولی زبان خود را حفظ کند موجود زنده‌ای است که هوشیاری خود را از دست داده است و برعکس، اگر ملتی زبان خود را فراموش کند و زبان ملت دیگری را برگزیند، در آن ملت مستحیل گشته و موجودیت خود را از دست می‌دهد (درویش‌پور، ۱۳۷۴: ۲۳). بنابراین قوم‌گرایی به‌معنای تأکید بر هویت قومی، نژادی یا فرهنگی به‌عنوان محور اصلی تعلق و وفاداری افراد است. این پدیده معمولاً به‌شکل تقویت احساسات، ارزش‌ها و منافع خاص یک قوم یا گروه نژادی در برابر دیگر اقوام یا گروه‌ها ظاهر می‌شود. قوم‌گرایی می‌تواند به‌شکلی مثبت (تأکید بر فرهنگ و تاریخ یک قوم) یا منفی (ایجاد تعصبات و نفرت نسبت به دیگر اقوام) باشد. در صورت دوم است که قوم‌گرایی یکی از عوامل مهم در واگرایی سیاسی محسوب شده و جامعه را به‌سوی واگرایی سوق می‌دهد. قرآن کریم تعصب قومی و نژادی را نفی کرده و فضیلت و برتری انسان‌ها را فقط در تقوا می‌داند و بس و نژادگرایی و ملیت‌گرایی را از همان اول مردود اعلام کرد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ای مردم ما همه شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را قبیله‌های کوچک و بزرگ قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید، مسلماً گرمای‌ترین شما در نزد خداوند پرهیزکارترین شماست» (حجرات/۱۳). اسلام ملاک برتری را فقط تقوا می‌داند نه قومیت و نژاد که در اسلام فقط برای شناخت است و

بنابراین می‌توان ادعا کرد که قوم‌گرایی منجر به بروز تضاد میان گروه‌های مختلف گشته و این تضاد می‌تواند در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی اجتماعی تقابل ایجاد کرده و به تضعیف همبستگی سیاسی منجر شود، زیرا قوم‌گرایی ممکن است حس بدبینی نسبت به دیگر اقوام در جامعه را ایجاد کرده و افراد ممکن است احساس کنند که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی منافع یک قوم در نظر و بقیه اقوام نادیده گرفته شده است و این امر می‌تواند به نارضایتی عمومی و تنش‌های اجتماعی و در نتیجه به وحدت و همگرایی یک جامعه آسیب برساند، ضمن این‌که قوم‌گرایی می‌تواند هویت اسلامی‌گرایی را با حاشیه رانده و باعث شود که افراد بیشتر به هویت قومی خود اهمیت بدهند تا به هویت ملی و اسلامی. بنابراین قوم‌گرایی می‌تواند به‌عنوان یک عامل مهم در واگرایی سیاسی امت اسلامی بوده و منجر به تنش‌های جدی گروه‌های مختلف در امت اسلامی و در نتیجه به واگرایی امت اسلامی شود.

۲-۱-۲- مذهب‌گرایی

«مذهب» در اصطلاح فقهی، روش خاص در استنباط احکام کلی فرعی از ظاهر کتاب و سنت است و در اصطلاح کلامی مذهب طریقه خاص در فهم مسائل اعتقادی است (دهخدا، ۱۳۵۲: ۶۸/۴۴)، گرچه در بعضی موارد دیده شده که دین را به معنی مذهب گرفته‌اند، ولی صحیح آن است که «مذهب» را روشی خاص در فهم دین یا مکتب‌های درون یک دین تعریف کنیم. مذاهب شیعه و سنی دو روش در فهم اسلام هستند. همچنان‌که کاتولیک و پروتستان مکتب‌های درون دینی مسیحیت می‌باشند. همان‌طور که «هویت دینی» به اشتراک گروه اجتماعی در یک دین و ممتازبودن آن از سایر ادیان اشاره دارد، «مذهب» نیز به اشتراک گروه از انسان‌ها حول یک مذهب و متفاوت‌بودن آن‌ها از بقیه پیروان مذهب‌ها در درون یک دین مشترک است. تعدد مذاهب در بین پیروان یک دین نمایانگر وجود استعداد و بستری خوب و آماده جهت واگرایی بین پیوندگان آن دین است، زیرا همه مذاهب خود را بر حق و دیگران را بر باطل دانسته و این امر بستر مناسب برای واگرایی امت اسلامی فراهم می‌سازد. قرآن کریم مذهب‌گرایی را تقبیح نموده و امت اسلامی را به وحدت، همگرایی و دوری از اختلاف فرامیخواند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید» (آل عمران/۱۰۳). بنابراین قرآن کریم مخالف مذهب‌گرایی است، زیرا مذهب‌گرایی

امت اسلامی را از هم دور ساخته و به واگرایی مبتلا می‌سازد. در جایی دیگر مردم را از تفرق و پراکندگی و گام‌نهادن در راه‌های مختلف نهی نموده است. «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام/۱۵۲) و این (آیین و مذهب) راه من است که راست (بدون کژی) است، پس (برای رستگاری) از این پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده و دور شما را به این‌ها سفارش کرده است، باشد که خود را از خشم خدا در امان نگه دارید.

اما همین دین که عامل وحدت و یکپارچگی پیروانش هست و پیروانش را به وحدت و همگرایی فرامی‌خواند اگر به صورت صحیح به آموزه‌های آن عمل نشود، به علت برداشت‌های ناصواب و مختلف از آن یا به علت غرض‌های دیگر مایه اختلاف وسیله و عاملی برای واگرایی میان امت اسلامی تبدیل می‌گردد و چه بسا عامل مهم در ایجاد اختلاف و حتی برخورد‌های ناگوار مبدل گردد.

۳-۱-۲- داشتن سوءظن نسبت به یکدیگر

سوءظن، یکی از بلاها، مفاسد اخلاقی و آفت‌های مهم است که در جامعه اسلامی رایج و موجب واگرایی امت اسلامی شده است، سوءظن یعنی گمان بد بردن و یک نوع دید منفی نسبت به دیگران داشتن است، سوءظن که مرکب از دو واژه «سوء» و «ظن» است. به معنای هر چیزی ناپسند، چندان‌آور و ناراحت‌کننده نسبت به دیگران است. بنابراین گمان بد داشتن به دیگران از مسائل ممنوعه‌ای است که واگرایی سیاسی را در پی دارد، به همین خاطر بزرگان دینی و اندیشمندان اسلامی از داشتن، سوءظن به شدت نهی فرموده‌اند.

سوءظن در قرآن کریم: قرآن کریم به صراحت از داشتن سوءظن نهی نموده و آن را زمینه‌ساز و مقدمه برای تجسس نمودن و غیبت کردن یکدیگر دانسته، می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیار از گمان‌ها پرهیز کنید، چراکه بعضی از گمان‌ها موجب افتادن در گناه است و در (اسرار و عیوب) دیگران تجسس نکنید و مبادا از یکدیگر غیبت کنید؛ آیا یکی از شما دوست دارید، درحالی‌که برادرش مرده است گوشت او را بخورد؟ (اگر چنین چیزی بر شما عرضه شود قطعاً) از آن بدتان می‌آید، بنابراین خود را از خشم خداوند حفظ کنید خداوند

بسیار توبه‌پذیر و مهربان است» (حجرات/۱۲). در این آیه تعبیر به «كثيراً من الظن شده» این تعبیر به خاطر این است که بیشتر گمان‌های مردم در حق یکدیگر، گمان بد است و تعبیر کثیراً به آن اشاره دارد و در بیان علت آن می‌فرماید: «چون بعضی گمان‌ها گناه است، زیرا معلوم نیست کدام مطابق واقع و کدام مخالف واقع است و چون سوءظن درباره اعمال خصوصی مردم یک نوع تجسس است و این تجسس گاهاً منجر به آگاهی از عیوب مخفی یک شخص می‌گردد، به غیبت می‌انجامد.» در این آیه ابتدا از گمان بد و در مراحل بعد تجسس و غیبت نهی شده است، زیرا تجسس و غیبت نوعی حس بدبینی نسبت به دیگران را به وجود آورده و در نتیجه امت اسلامی را به واگرایی سیاسی می‌کشاند، زیرا سوءظن باعث کاهش اعتماد میان گروه‌های مختلف مسلمانان گشته و این عدم اعتماد عدم همکاری را در پی داشته و به نوعی واگرایی سیاسی منجر می‌شود. وقتی سوءظن در جامعه باشد، احتمال شکل‌گیری ائتلاف‌ها و اتحاد‌های سیاسی کاهش یافته و ممکن است به تنش‌های داخل منجر و در وحدت امت اسلامی را به حاشیه رانده و به اختلاف و شقاق منجر شود. بنابراین سوءظن می‌تواند عامل کلیدی در واگرایی سیاسی امت اسلامی تبعات منفی در انسجام و وحدت مسلمانان داشته باشد.

۲-۲- عوامل بیرونی

۱-۲-۲- استعمار و استکبار

یکی از عوامل مهم در واگرایی سیاسی امت اسلامی استعمار است. کشورهای فرامنطقه و قدرتمند استعمارگر و سلطه‌جو مثل کشورهای اروپایی مخصوصاً انگلیس و آمریکا با هدف نفوذ در مناطق مختلف جهان و به خاطر سلطه بر کشورهای جهان سوم و کسب منافع بیشتر به فروپاشی جوامع متعدد دست می‌زنند. این کشورها وقتی از سلطه بر کشورهای مستقل عاجز شدند، دست به واگرایی‌های قومی مذهبی با ساختن مرزهای مصنوعی میان کشورهای ضعیف زده و بر اختلافات قومی، مذهبی دامن می‌زنند تا زمینه سلطه و نفوذ خود را بر کشورهای ضعیف مساعد سازند. مهم‌ترین وسیله که استعمارگران از آن در جهت واگرایی کشورهای ضعیف استفاده می‌کنند، مطرح‌ساختن پلورالیسم اقوام و کثرت‌گرایی مذاهب است که با استفاده از رسانه‌های جمعی در قالب بیداری قومی، مذهبی و حتی زبانی از طریق سازمان‌های بین‌المللی، رادیو آزادی و بی‌بی‌سی و رسانه‌های دیگر پیگیری می‌کنند (در انگلیس وزارتخانه مستقل تحت عنوان وزارت مستعمرات بود که هدف و مأموریت آن

وارد شده است. قرآن کریم با تأکید بر وحدت همه‌جانبه امت اسلامی، مسلمانان را از اختلاف‌های گوناگون بر حذر داشته و به همگرایی و وحدت فرامی‌خواند، عبارت‌های همچون «واعتصموا»، «اصلحوا»، «رابطوا»، «ولاتفرقوا» و ... همگی در جهت تشویق به همگرایی و دوری از واگرایی و اختلاف است، حتی دستورهای مکرر و مؤکد اخلاقی اجتماعی چون حرمت غیبت، داشتن سوءظن نسبت به یکدیگر و برملا ساختن راز مؤمن در جهت پیشگیری از اختلاف و حفظ کرامت انسانی بیان شده است.

راهبردهای را که قرآن کریم برای مقابله با واگرایی سیاسی امت اسلام ارائه می‌کند، عبارت‌اند از:

۱-۳- دعوت به وحدت با محوریت قرآن قرآن کریم

مهم‌ترین آیه که قرآن درباره وحدت مسلمین بیان می‌دارد، آیه ۱۰۳ آل عمران است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دل‌هایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید و بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شمارا از آن نجات داد. این‌گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید هدایت شوید» (آل عمران/۱۰۳). خداوند منان در این آیه همگی را به اتحاد و همبستگی دعوت نموده و دستور می‌دهد به ریسمان الهی چنگ زده و از هم پراکنده نشوید.

مرحوم علامه طباطبائی (ره) در تفسیرالمیزان در معنای آیه می‌فرماید: «مراد از اختلاف تفرق از حیث عقیده و منظور از تفرق اختلاف و تشتت از حیث ابدان است. اگر تفرق را بیشتر از اختلاف ذکر نموده، به‌خاطر این است که تشتت و پراکندگی بدن‌ها از یکدیگر زمینه‌ساز جدایی عقیده است، چون وقتی یک گروه و یا یک قوم به هم نزدیک، متحد و مربوط باشند، عقیده‌شان هم به یکدیگر متصل و در نتیجه با تأثیر و تأثر متقابل با هم دیگر متحد می‌شوند و اختلاف عقیدتی در بینشان ایجاد نمی‌شود. برعکس زمانی که افراد یک جامعه از هم دیگر جدا و پراکنده باشند، این اختلاف و پراکندگی ابدان عامل اختلاف مشرب‌ها و روش‌ها شده و به مرور زمان، هرچند نفری آرا و افکار مستقل پیدا کرده و از دیگران جدا می‌گردند، وقتی

اداره‌کردن کشورهای مستعمره انگلیس بود که در اوایل قرن بیستم بر اثر بیدار شدن و رشد فکری بعضی از ملل، این نام در ظاهر محو شد و این وزارتخانه به وزارت امور خارجه انگلیس ضمیمه گردید و هم‌اکنون نیز همان هدف و مأموریت را ادامه می‌دهد) (همفر، ۱۳۷۰: ۸). به جرأت می‌توان گفت که استعمار و استکبار نقش مهم در واگرایی سیاسی امت اسلامی داشته و دارند. با نگاهی به تاریخ گذشته امت اسلامی به‌خصوص در دو قرن اخیر درمی‌یابیم از وقتی که پای کشورهای استعماری و سلطه‌گر به جهان اسلام باز شد، واگرایی و تشتت در میان امت اسلام بیشتر شد، آن‌ها برای استیلا بر امت اسلامی و غارت سرمایه ملی مسلمانان چاره کار را در تجزیه امت اسلامی و تبدیل آن به کشورهای کوچک، ضعیف و بی‌خاصیت و دامن‌زدن به اختلافات مذهبی، قومی و نژادی دیده و در این راستا از هیچ اقدام دریغ نکردند. استکبار و استعمار که در رأس‌شان آمریکا و انگلیس قرار دارند، به‌دنبال ایجاد تفرقه میان مسلمانان و تشدید اختلاف میان شیعه و سنی و هدفشان از این کار درگیر ساختن کشورهای اسلامی با یکدیگر است تا راحت بتوانند به اهداف استعماری‌شان دست یابند. بنابراین می‌توان گفت که استعمار و استکبار نقش مهمی در واگرایی سیاسی امت اسلامی دارند.

۳- راهبرد های قرآنی مقابله با واگرایی سیاسی امت اسلامی

قرآن کریم تنها کتابی آسمانی است که برای هدایت بشر و به کمال‌رساندن انسان‌ها از جانب خداوند فرستاده شده و در جایگاه مرام‌نامه و نظام‌نامه و قانون اساسی آخرین دین آسمانی و توسط آخرین انسان مبعوث برای سوق‌دادن بشر به‌سوی کمال به مدت ۲۳ سال نازل شد و به‌عنوان معجزه ماندگار پیامبر گرامی اسلام مورد قبول همه مسلمین می‌باشد. اجماع مسلمین بر حقانیت قرآن کریم و مصون ماندن آن از تحریف جایگاه رفیع این کتاب آسمانی را تثبیت می‌کند و قرآن کریم خود با تأکید بر جایگاه رفیع خودش از همگان مخصوصاً صاحبان عقل و تفکر برای تدبیر، اندیشیدن و تفکر نمودن دعوت می‌کند «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» آیا در معانی قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خداوند بود قطعاً در آن اختلاف بسیار می‌یافتند» (نساء/۸۲). روشن شدن جایگاه رفیع قرآن کریم میان همه مسلمانان راجع به وحدت امت اسلامی سراغ قرآن کریم رفته و در این زمینه راهکار می‌خواهیم، در قرآن کریم بیش از ۵۰ آیه است که در مذمت اختلاف و مدح وحدت و روش‌های کسب آن و عوامل اختلاف

رشیدرضا یکی از مفسران معاصر معتقد است که منظور از حبل‌الله قرآن کریم است: «حبل‌الله: هو القرآن، كما ورد فی الحدیث الصحیح عن ابن مسعود و روی ابن ابی شیبہ و ابن جریر عن ابی سعید الخدری مرفوعا کتاب الله هو حبل‌الله الممدود من السماء إلى الأرض علم علیه فی الجامع الصغیر بالحسن و روی الدیلمی من حدیث زید بن أرقم حبل‌الله هو القرآن» (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۲۰/۴).

مطلب مهم این‌که تعبیر از این موارد به حبل‌الله مطمئناً اشاره به این حقیقت دارد که انسان در حالت عادی و بدون داشتن راهنمای درست و رهبر حقیقی در وادی ظلمانی جهل و نادانی خواهد ماند و برای نجات از این وادی سرگردان نیاز به یک ریسمان محکمی دارد که با تمسک به آن خودش را نجات دهد و این رشته محکم همان ارتباط با خداوند منان از مجرای قرآن کریم و آورنده آن، یعنی پیامبر گرامی اسلام و جانشینان واقعی او می‌باشد که مردم را از سطوح پست بالابرده و به بلندای تکامل معنوی و مادی و درجهت کمال رهنمون سازند.

«وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» و نعمت (بزرگ) خداوند را که بر شما (ارزانی) کرد، یاد کنید، آنگاه که (با یکدیگر) دشمن بودید، پس میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، در نتیجه به سبب نعمت او (یعنی اسلام) با هم برادر شدید» (آل عمران/۱۰۳). استاد اخلاق و مفسر قرآن مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «سپس قرآن به نعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره کرده و مسلمانان را به تفکر در وضع اندوه‌بار گذشته و مقایسه آن پراکندگی با این وحدت دعوت می‌کند و می‌گوید: فراموش نکنید که در گذشته چگونه با هم دشمن بودید، ولی خداوند در پرتو اسلام و ایمان دل‌های شما را به هم مربوط ساخت و شما دشمنان دیروز، برادران امروز شدید» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۸/۳). مرحوم سیدقطب در تفسیر فی ضلال ذیل این آیه روایت را از محمد پسر اسحاق در کتاب سیره نقل می‌کند که: «مردی از یهودیان از کنار اوسیان و خزرجیان گذشت، اتفاق و اتحادی را که از آنان دید، مایه ناراحتی او گردید. کسی را که به همراه داشت به میانشان فرستاد تا با آنان بنشیند و وقایع جنگ «بعثت» را به یادشان اندازد و درباره چنین جنگ‌هایی به سخن پردازد. آن شخص چنین کرد چیزی نگذشت که تنور درون قوم داغ شد و برخی بر برخی خشمناک گشتند و بر یکدیگر شوریدند و جویای اسلحه شدند و همدیگر وعده صف‌آرایی در «حره» را دادند ... این امر به سمع مبارک

جدایی ظاهری پیدا شد، اختلاف و جدایی باطنی هم پیدا شده و این گروه از هم دیگر فاصله می‌گیرند، پس گویا خداوند حکیم می‌خواهد بگوید ای مسلمانان شما مثل امت‌های قبلی نباشید که ابتدا بدن‌هایشان جدا شد و از وحدت و اتحاد خارج شده و این جدایی و اختلاف سبب جدایی در عقیده‌شان هم سراید نمود.» قرآن کریم به همین جهت دعوت به اتحاد را بسیار تأکید نموده و نهی از اختلاف را به نهایت رسانده و این نیست مگر به خاطر این‌که تفحس و ژرف‌نگری می‌کرده و می‌دانسته که این امت مانند امت‌های قبلیشان بودند، بلکه بیش از آنان دستخوش اختلاف می‌شوند (طباطبائی، ۵۲۷/۳).

در این‌که حبل‌الله چیست؟ مفسران احتمالات گوناگون بیان کرده‌اند. عده‌ای معتقدند که منظور از حبل‌الله قرآن کریم است و عده‌ای دیگر معتقدند منظور اسلام است، عده‌ای هم خاندان پیامبر و ائمه (ع) را حبل‌الله می‌دانند. در روایات هم تعابیر مختلف از حبل‌الله به چشم می‌خورد، در کتاب معانی الاخبار و در تفسیر «درالمنثور» از پیامبر گرامی (ص) نقل شده که منظور از حبل‌الله قرآن کریم است (طباطبائی، ۳۷۰/۳). در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) روایت شده که منظور از حبل‌الله یا ریسمان الهی «آل محمد (ص) می‌باشند که مردم مأمور به تمسک به آن هستند. این تعابیر هیچ‌کدام با یکدیگر اختلاف ندارند، زیرا منظور از ریسمان الهی هرگونه وسیله ارتباط با خداوند است، چه این وسیله اسلام باشد یا قرآن یا پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و مهم وسیله است که با تمسک به او ارتباط مخلوق با خالق برقرار شود.»

سیدقطب معتقد است که منظور از حبل‌الله چنگ‌زدن به رشته خدا، یعنی عهد، برنامه و آیینش است و این برادری نه جمع‌شدن بر جهان‌بینی دیگری و نه بر هدف دیگری و نه چنگ‌زدن به رشته دیگری که از رشته‌های فراوان جاهلی است (سیدقطب، ۱۳۸۶: ۶۶۱/۱). ایشان معتقداند که این برادری آویخته به رشته خدا، نعمت است که خداوند با عطای آن بر گروه مسلمانان نخستین منت می‌گذارد. خداوند این نعمت را به یادشان می‌آورد که در دوره جاهلیت چگونه دشمنان همدیگر بودند و خداوند به وسیله اسلام میان دل‌های اعراب پیوند برقرار کرد و تنها اسلام است که قادر است میان دل‌های گریزان پیوند برقرار نموده، آن‌ها را برادر هم سازد (سیدقطب، ۱۳۸۶: ۶۶۵/۱).

می‌کند، ملازم خویشتن‌دار بوده و اکثراً در ذکر خدا و اطاعت او و رسولش باشید و حوادث و سنگینی بار اطاعت شما را از جای نکند و از پا درنیورد و لذت معصیت و عجب و تکبر شما را گمراه نسازد (طباطبائی، ۹۵/۹).

در این آیه، امر به صبر را با جمله «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» تأکید فرمود، دلیلش این است که صبر قوی‌ترین یاوری است که در شدائد و محکم‌ترین رکنی است در برابر تلون در عزم و سرعت تحول در اراده و همین صبر است که به انسان فرصت تفکر صحیح داده و به منزله خلوتی است که در هنگام هجوم افکار پریشان و صحنه‌های هول‌انگیز و مصائبی که از هر طرف رو می‌آورد به انسان فرصت می‌دهد که صحیح فکر نموده و رأی مطمئن و صددرصد اتخاذ کند، پس خدای سبحان با مردم صابر است (طباطبائی، ۹۶/۹). قرآن کریم همواره مسلمانان را به وحدت و همگرایی و تفاهم بر مشترکات دعوت نموده و به پرهیز از مباحث اختلاف‌برانگیز و تفرقه‌افکن فرامی‌خواند که نتیجه همگرایی و وحدت امت اسلامی دو اثر درونی و بیرونی را در پی دارد، زیرا همگرایی و وحدت در درون امت اسلامی سبب افزایش اقتدار و افزایش قدرت امت اسلامی و سازماندهی منابع امت اسلامی در جهت سازماندهی قوای آنان در مسیر رشد و پیشرفت جهان اسلام می‌گردد و در اثر بیرونی، همگرایی امت اسلامی در مقابله با دشمن مشترک مسلمانان به صورت یک‌دست و یکپارچه با تمامی ظرفیت‌ها و نیروهای امت اسلامی می‌باشد که این امر سبب اقتدار و هیمنه امت اسلامی گشته و عزت مسلمین را در پی خواهد داشت.

۳-۳- جلوه‌گیری از سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی

اسلام دینی است که سلطه بیگانگان را بر امت اسلامی به هیچ وجه قبول نداشته و بر حفظ اعتلا و برتری مسلمین بر دیگران تأکید دارد و این را یک اصل دانسته و یک هدف مهم می‌شمارد. از منظر اسلامی به‌خصوص مذهب پویایی جعفری چیرگی و سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی و مسلمانان امری ناروا تلقی شده و برتری غیرمسلمان بر مسلمان چه در نظام تشریح و چه در نظام تکوین پذیرفتنی نیست. باتوجه بر این عقیده، هرگونه معاملات و مروادات با کشورهای بیگانه که سبب افزایش نفوذ بیگانه و سلطه اغیار بر مسلمانان را در پی داشته باشد تا جایی که آن‌ها بتوانند در امور داخلی مسلمانان دخالت کنند، ممنوع و نادرست تلقی می‌شود، زیرا اندیشمندان و فقهای اسلامی برای حفظ عظمت، عزت و اقتدار مسلمین با

پیامبر (ص) رسید و به سوی‌شان دوید و فرمود: «ابدعوی الجاهلیه و انا بین اظهركم بعد ان هداکم الله تعالی الی الاسلام و اکرکم به و قطع عنکم امرالجاهلیه...؛ آیا بانگ جاهلیت سر می‌دهید و به ندای آن پاسخ می‌دهید درحالی که من هنوز در میان شما به‌سر می‌برم؟» آنگاه این آیه را خواند و همگان از کرده خود پشیمان شدند و راه صلح و صفا پوییدند و همدیگر را در آغوش گرفتند و سلاح‌ها را بدور افکندند و بدین‌گونه خداوند راه را برایشان روشن کرد و آنان را هدایت یافتند» (سیدقطب، ۱۳۸۶). بنابراین قرآن کریم مسلمانان را به وحدت فراخوانده و دستور می‌دهد که از اختلاف پرهیز کنند.

۳-۲- پرهیز از طرح مسائل اختلاف‌برانگیز

یکی از عوامل واگرایی و اختلاف در جامعه اسلامی طرح مسائل اختلاف‌برانگیز و درگیرکردن امت اسلامی به مسائل مذهبی است، طرح مسائل اختلاف‌برانگیز نه تنها هویت دینی جامعه را تقویت نمی‌کند، بلکه موجب افزایش تنش و اختلاف فرقه‌ای در میان امت اسلامی می‌شود، طرح مسائل اختلاف‌برانگیز نه موجب تقویت فرهنگ اهلیت می‌شود و نه رونق سنت نبوی را در پی دارد، این امر سبب اتلاف نیروی مؤثر امت اسلامی و چه‌بسا موجب درگیرشدن امت اسلامی به مسائل فرعی شده و به امت اسلامی آسیب جدی وارد می‌سازد و دشمنان اسلام هم به این موضوع دامن می‌زنند تا امت اسلامی را درگیر جنگ‌های داخلی نموده و قدرت امت اسلامی تضعیف شده و زمینه استیلاي خود بر امت اسلامی را فراهم سازند. قرآن کریم هر حرکت را که در جهت قطعه‌قطعه کردن امت اسلامی و ضدیت با همدلی و همکاری در جامعه اسلامی باشد را محکوم کرده و می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶).

در این آیه خداوند ابتدا امت اسلامی را از نزاع و کشمکش نهی کرده، می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛ با هم دیگر نزاع و کشمکش نکنید که خودها را ضعیف و سست می‌سازید که قدرت مقابله با دشمن را از دست می‌دهید»، زیرا اختلاف و کشمکش قدرت مقابله با دشمن را از شما سلب نموده، در نتیجه سست و ضعیف می‌شوید. در ادامه آیه مبارکه امت اسلامی را به صبر و بردباری در برابر نامالایمات و سختی‌ها فرامی‌خواند و می‌فرماید: «وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»، یعنی همواره در برابر مصائب و نامالایمات جنگی که دشمن به‌وسیله آن تهدیدتان

۴-۳- پیاده‌نمودن عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی یکی از مسائل مهم اجتماعی است که زندگی جمعی، صلح‌آمیز و رضایت‌بخش را ممکن می‌سازد، برابری اجتماعی در سه عرصه، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، قانونمندی و توازن از مفاهیم بنیادین تشکیل‌دهنده عدالت اجتماعی‌اند، گرچه تعاریف متعددی از عدالت اجتماعی توسط اندیشمندان صورت گرفته، ولی هیچ‌کس نسبت به اصالت و حقانیت آن تردید ندارد و دستیابی به آن، یکی از آرزوهای همه انسان‌ها و نظام‌های اجتماعی است که بدون آن حفظ امنیت و رضایت سیاسی امکان‌پذیر نیست. بنابراین به تعریف از عدالت اجتماعی پرداخته و نقش عدالت اجتماعی را در همگرایی و واگرایی امت اسلامی توضیح خواهیم داد.

تعریف عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی به معنای رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در ساحت اجتماع است. در این تعریف، هر گروه، صنف و طبقه‌ای باید در جایگاه شایسته خویش جای گیرد و در پی جایگاه دیگران برنیاید. عدالت اجتماعی مبتنی بر احوال و افعال اعضای جامعه است و مرتبت هرکس بنابر استحقاق و استعداد او تعیین می‌شود (مشکات، ۱۳۶۸: ۳۷۶/۱).

۴-۳-۱- جایگاه عدالت در مکتب اسلام

در مکتب اسلام عدالت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و با عدالت در مکاتب دیگر تفاوت دارد، در مکتب اسلام عدالت مستقیم به یکی از اوصاف خداوند پیوند می‌خورد، از نظر مکتب اسلام خداوند عادل است و تمام افعال خداوند عین دادگری و عدالت می‌باشد و هیچ‌گونه ستم و ظلم در آن راه ندارد و به‌خصوص عدالت در مکتب تشیع اهمیت مضاعف دارد تا جای که عدالت جزء اصول دین به‌شمار می‌آید و قرآن کریم هم هدف از بعثت انبیای الهی را در دو هدف خلاصه می‌کند: یکی برقرار ساختن عدالت میان انسان‌ها و سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها؛ دیگری هدایت رهنمون انسان‌ها از تاریکی‌های جهل و شرک و کفر به سوی توحید و یکتاپرستی «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به‌راستی و عدالت گرایند» (حدید/۵۷). انسان وظیفه دارد بر پایه تعالیم دینی فعالیت‌های اجتماعی و فردی خود را با عدالت توأم ساخته و با اجرای عدالت در رفتار و گفتار، خود را به سعادت برساند. برپایی عدالت در اسلام آنقدر

استناد به آیات و روایات قاعده فقهی را تحت عنوان قاعده نفی سبیل پایه‌گذاری نمودند که براساس این قاعده فقهی راه هر نوع نفوذ و سلطه اجانب بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و ... مسدود بوده و مسلمانان همچون سد محکم در برابر سلطه گوناگون بیگانگان بر امت اسلامی خواهند استاد و به‌هیچ‌وجه سلطه آن‌ها را قبول نخواهند کرد.

بنابراین کفار در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند شرعاً بر سرنوشت مسلمانان مسلط باشند، قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده» (نساء/۱۴۱). این آیه هرگونه تسلط تشریحی و تقنینی کفار بر مسلمانان را به‌شدت نفی نموده و اعلام می‌دارد که کفار هیچ‌گونه سلطه نسبت به مسلمانان ندارد، یعنی در قوانین فقهی و حقوقی هیچ‌گونه راه تسلط کفار و غیرمسلمان بر سرنوشت و حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی مسلمانان را شرعاً و عقلاً مجاز و روا نمی‌داند.

آیت... مکارم شیرازی (حفظه الله) در تفسیر نمونه می‌فرماید: «از آنجا که کلمه سبیل در این آیه، به قول فقها، از قبیل نکره در سیاق نفی آمده است و این نکره در سیاق نفی افاده عموم دارد و عموم را می‌رساند، این بدان معنی است که کفار هیچ‌گونه سلطه‌ای نباید بر مسلمانان داشته باشد، نه تنها از منظر منطق، بلکه از نظر سیاسی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و از هیچ نظر نباید کفار بر مسلمین سلطه پیدا بکند و نخواهند کرد و اگر بعضاً پیروزی‌های آن‌ها را به چشم می‌بینیم، به علت این است که اکثری از مسلمانان، مؤمنان واقعی نیستند و وظایف اسلامی و مسؤولیت‌های دینی خود را فراموش کرده‌اند. این‌ها نه علم و آگاهی درست از اسلام و برنامه‌های آن دارند و نه به دستورات اسلام عمل می‌کنند. به همین علت است که در جهان اسلام امروزه نه از مودت خبری هست و نه اخوت اسلامی میان آن‌ها وجود دارد و جهاد به معنی واقعی کلمه را هم انجام نمی‌دهند. به همین خاطر عده‌ای از فقها به این آیه برای عدم سلطه کفار بر مسلمانان از نظر حکمی و حقوقی استدلال کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴۷/۱). براساس قاعده نفی سبیل و با استناد به فرموده پیامبر گرامی اسلام راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ... باید مسدود شود.

نیست، مگر در توزیع عادلانه فرصت‌ها برای همه افراد جامعه، در صورتی که همه افراد ساکن در یک جامعه نسبت به توزیع عادلانه فرصت‌ها باور نداشته باشند و احساس کنند که فرصت‌ها به صورت غیرعادلانه تقسیم می‌شود و یک بخشی از جامعه از آن برخوردار و دیگری محروم باشند، قطعاً این وضعیت واگرایی سیاسی جامعه را در پی داشته و جامعه را به سوی شقاق و دوگانگی و یا چندگانگی سوق خواهد داد، اما اگر فرصت‌ها به صورت عادلانه در اختیار همه شهروندان قرار نگیرد، در این صورت نوعی شقاق در جامعه ایجاد خواهد شد، چون یک بخشی از این جامعه خود را جدا از دیگران دانسته و زمینه واگرایی سیاسی امت اسلامی را در پی خواهد داشت.

۲-۲-۳- توزیع عادلانه امکانات

اصولاً فرصت‌ها و امکانات زیاد در اختیار دولت هست که می‌تواند برابر و یا نابرابر توزیع شود که در نحوه استفاده مردم از این امکانات تأثیر مستقیم دارد. این امکانات باید به صورت عادلانه در اختیار همه افراد جامعه قرار گیرد. در این صورت است که تمامی افراد جامعه با استفاده از امکانات به رشد و تکامل شایسته خود می‌رسند، مثلاً استفاده عادلانه از منابع و ثروت که در اختیار دولت است، مثل اعطای وام یا سرمایه‌گذاری در بانک‌ها، تقسیم عادلانه اعتبارات بانکی و ... که رعایت عدالت به معنی دسترسی و استفاده از این منابع دولتی است که می‌تواند زمینه رشد و تبلور استعدادهای خوابیده را فراهم سازد. این مهم وظیفه مسؤولین و دست‌اندرکاران هست که با توزیع عادلانه امکانات برای همه اقشار جامعه را به سوی همگرایی سوق دهد نه به سوی واگرایی، زیرا در توزیع امکانات اگر عدالت و تقوای الهی نباشد، مطمئناً تبعیض در جامعه حاکم شده، زیرا این امکانات فقط در اختیار یک قشر خاص قرار گرفته و بقیه محروم و این محرومیت بخشی از جامعه از امکانات موجود این بخش را عقده‌ای و زمینه واگرایی امت اسلامی فراهم می‌شود، ولی در صورتی که همه افراد ساکن در یک کشور ببینند و معتقد شوند که امکانات به صورت عادلانه توزیع می‌گردد و در اختیار طبقه و یا شخص خاص نیست، روحیه همکاری بین مردم و دولت وجود دارد، طبیعی است که این جامعه به صورت یک جامعه همگرا بوده و نوعی رضایت مردم را در پی خواهد داشت.

۳-۲-۳- توزیع عادلانه ثروت

یکی از راه‌های تأمین عدالت اجتماعی توزیع عادلانه ثروت میان آحاد جامعه و دسترسی یکسان همه افراد جامعه به ثروت

مهم است که قرآن کریم دستور می‌دهد حتی با کفار هم با عدالت رفتار بشود، نشود دشمنی قومی تو را از عدالت بازدارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ لَّا تَدِينُوا أَعْدَاءُ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای مسلمانان، همواره برای (خشنودی) خدا (به اطاعت از او) برخیزید و به عدالت گواهی دهید، مبدا دشمنی و کینه کسانی، شما را به بی‌عدالتی وادارد، عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از معصیت خدا بپرهیزید که از آن‌چه انجام می‌دهید، باخبر است» (مائده/۸). محروم سیدقطب در تفسیر این آیه به یک نکته جالب اشاره می‌نماید و آن این‌که: خداوند در این آیه دستور به عدالت و دادگری داده و می‌فرماید حتی با دشمنان هم با عدالت رفتار کنید، مبدا دشمنی با قومی شما را از عدالت بازدارد، دادگری کنید به‌ویژه با دشمنان که این کار به پرهیزکاری نزدیک‌تر و کوتاه‌ترین را به تقوا و بهترین وسیله برای دوری از خشم خداست» (سیدقطب، ۱۳۸۶: ۳۳۱/۲).

با این تعریف که از عدالت صورت گرفت، به صورت قطع می‌توان ادعا کرد که اگر در جامعه اسلامی عدالت برقرار شود و هر چیز در جایگاه واقعی خود قرار گیرد، این جامعه از واگرایی رها یافته، به وحدت و همگرایی سیاسی دست خواهند یافت.

۲-۳-۳- مؤلفه‌های عدالت اجتماعی در اسلام

اسلام در جهت کاهش شکاف بین ثروتمندان و نیازمندان و برقراری یک جامعه سالم و عدالت محور مؤلفه‌های عدالت را در سه سطح بیان می‌کند:

۱-۲-۳- توزیع عادلانه فرصت‌ها

برای رشد و بالندگی شخصیت‌ها در هر جامعه فرصت‌های وجود دارد که باید همه افراد جامعه از این فرصت‌ها به صورت یکسان برخوردار باشد و تبعیض نباید در توزیع این فرصت‌ها صورت بگیرد، زیرا تبعیض در توزیع این فرصت‌ها عده‌ای را برخوردار و عده‌ای دیگر را محروم می‌سازد و توزیعی عادلانه است که زمینه رشد و شکوفای استعدادهای بالقوه را فراهم می‌سازد و این امر سبب رفع محرومیت‌ها گشته و زمینه را برای تحصیل فرزندان کم‌بضاعت و ای‌بسا بی‌بضاعت جامعه را میسر می‌سازد؛ آن وقت است که فرزندان محروم جامعه امکان درس و تحصیل را به دست آورده و ممکن است به مدارج علمی والای دست یافته و جایگاه مناسب و در شأن خود را پیدا نموده و افراد مفیدی برای جامعه خود خواهند بود. این امر ممکن

اهل کتاب و نیز منافقین و مشرکان را بیان نموده است، به‌خصوص بر تعامل میان پیروان دین مبین اسلام تأکید فراوان نموده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ؛ ای پیامبر به اهل کتاب بگو، بشتابید به سمت کلمه‌ای که بین ما و شما برابر است و آن نپرستیدن جزء خداوند است.» وقتی قرآن کریم پیروان سایر ادیان را مشترکات فرامی‌خواند، طبیعی است که امت اسلامی را به طریق اولی به این امر مهم فرامی‌خواند، زیرا در میان مسلمانان محورهای زیادی وجود دارد که زمینه تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را در پی دارد که با استفاده از این محورهای مشترک و تمسک به قرآن کریم، قطعاً مسلمانان می‌توانند به یک همگرایی همه‌جانبه رسیده و از واگرایی پرهیز نمایند، محورهایی چون خدای واحد، پیامبر و قرآن واحد، کعبه واحد و

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از این مقاله می‌توان گرفت، این است که باوجود ظرفیت‌های عظیم همچون اعتقاد به خدای واحد، قبله، پیامبر و قرآن واحد، امت اسلامی در عمل با چالش‌های جدی در زمینه همگرایی مواجه است. متأسفانه، به‌جای همگرایی، نشانه‌های واگرایی و اختلاف در بین مسلمانان به‌وضوح قابل مشاهده است که این موضوع آسیب‌های جدی به جهان اسلام وارد کرده و گاهی موجب تقابل بین گروه‌های مختلف مسلمان می‌شود.

این واگرایی ریشه در عوامل متعددی دارد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم‌بندی کرد. از جمله عوامل درونی می‌توان به قوم‌گرایی، مذهب و فرقه‌گرایی، زبان‌گرایی، منطقه‌گرایی، سوءظن متقابل و دنیاگرایی اشاره کرد. از سوی دیگر، عوامل بیرونی شامل توطئه‌ها و نقش استعمارگران است که از ابتدای پیدایش اسلام تاکنون همواره در تلاش برای ایجاد اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان بوده‌اند.

قرآن کریم به‌صراحت به برخی از این عوامل واگرایی سیاسی اشاره کرده و مسلمانان را به پرهیز از آن‌ها فراخوانده است. همچنین راهبردهای مقابله با این عوامل را نیز بیان نموده است. این راهبردها شامل دعوت به وحدت و یکپارچگی با محوریت قرآن کریم، تأکید بر مشترکات مذاهب اسلامی، احساس مسؤولیت در پیاده‌سازی عدالت اجتماعی، پرهیز از طرح مباحث اختلاف‌برانگیز و تضمین حقوق آحاد امت اسلامی است.

ملی می‌باشد. ضرورت تعدیل ثروت از آیات و روایات به‌دست می‌آید، براساس روایات متعدد حق فقرا در اموال اغنیا تا حدی است که آنان را در خوراک، پوشاک دارو و مسکن و سایر نیازمندی‌ها زندگی با ثروتمندان جامعه سهیم دانسته و به افراد با بضاعت جامعه دستور می‌دهد که رعایت افراد بی‌بضاعت جامعه را بنمایند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَّا يَبِيعُ فِيهِ وَكُلْهُ وَكُلَّا شَفَاعَةً وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ای مسلمانان از آن‌چه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آن‌که روزی فرا رسد که هیچ معامله و دوستی خالصانه و شفاعتی (بدون رضایت و اجازه خداوند) در آن وجود ندارد (آری) کافران ستمگران حقیقی هستند» (بقره/۲۵۴). در این آیه کریمه خداوند به اغنیا دستور می‌دهد که با انفاق کردن در راه خدا رعایت افراد بی‌بضاعت و یا کم‌بضاعت جامعه را بکنید و در راه خدا انفاق کنید.

بنابراین بر پایی عدالت اجتماع با مؤلفاتی که بیان شد، می‌توان امت اسلامی و جامعه اسلامی را از واگرایی نجات داده و نوعی همگرایی در میان امت اسلامی را به‌وجود آورد.

۲-۳-۴- تأکید بر مشترکات مذاهب اسلامی

گرچه مذاهب اسلامی در میانشان اختلافات جزئی دیده می‌شود و متأسفانه این اختلافات جزئی بهانه به‌دست مغرضین و دشمنان اسلام داده و از این اختلافات نه‌چندان مهم درجهت واگرایی امت اسلامی استفاده نموده و از این آب گل آلود ماهی مقصود که همان ایجاد چنددستگی میان امت اسلامی باشد را صید نموده و در نتیجه میان امت اسلامی دشمنی ایجاد کرده‌اند که ما شاهد تبعات منفی آن در جامعه اسلامی هستیم، این در حالی است که ما در میان مذاهب اسلامی مشترکات فراوان مثل ایمان به خدا و رسالت پیامبر، اعتقاد به توحید، معاد، قبله واحد، قرآن کریم، نبوت و ... هستیم و مذاهب اسلامی با دارابودن برخی اختلافات فقهی و کلامی به‌واسطه این مشترکات فراوان می‌توانند برای مقابله بهتر با توطئه و هجمه‌های دشمنان اسلامی دست اخوت و برادری به هم داده و درجهت رفع نیرنگ‌ها و توطئه‌های دشمن جبهه و احد را شکل بدهند. باتوجه به این‌که مسلمانان پیرو دین مبین اسلام و کتاب آسمانی‌شان هم قرآن است واضح است که هیچ دینی مانند اسلام و هیچ کتاب مانند قرآن کریم پیروان خود را به تعامل، همبستگی و اخوت و پرهیز از پراکندگی توصیه ننموده است، قرآن کریم نحوه تعامل، حتی با پیروان سایر ادیان نظیر

- دهخد، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، نشر موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ج ۴.

- زنجانی، زنجانی، فقه سیاسی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۳.

- سید قطب، محمد، فی ظلال القرآن، ترجمه دکتر مصطفی خرم دل؛ نشر احسان ۱۳۸۶ ج ۲ ص.

- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه، محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ج ۴.

- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ناشر، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ج ۳.

- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، نشر امیر کبیر، ۱۳۸۴، ج ۱.

- فرهنگ ۱۳ جلدی The Oxford English- At the (Clarendon Press Volum111).

- قوام، سید عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، سمت، ۱۳۷۰.

- محمد، رشید رضا، تفسیر قرآن الکریم الشہیر بتفسیر المنار، دارالمعرفه، بیروت ج ۴.

- محمد، سید قطب، فی ضلال القرآن، ترجمه: دکتر مصطفی خرم دل؛ نشر احسان ۱۳۸۶ ج ۱.

- محمود، کریمی، نظریه های همگرایی در روابط بین الملل، روزنامه رسالت، شماره ۷۰۳۱، سه شنبه ۲۲ تیر ۱۳۸۹.

- مشکات، عبدالرسول؛ و جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه ها، نشر سمت، مهر ۱۳۸۶.

- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۳.

- وفا، غفاریان، اصول شناخت و روش تحقیق، فصلنامه پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، شماره ۴۷.

از دیگر راهبردها می‌توان به جلوگیری از سلطه بیگانگان بر جوامع اسلامی و اجرای قاعده نفی سبیل اشاره کرد. همچنین پیاده‌سازی عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه فرصت‌ها، امکانات و ثروت و تأکید بر اصول همگرایی مسلمانان که شامل اعتقاد به توحید، اطاعت از رسول خدا (ص) و پیروی از قرآن، سنت و اهل بیت (ع) است، از جمله اقدامات ضروری برای مقابله با واگرایی سیاسی در امت اسلامی به‌شمار می‌رود.

این مقاله نشان می‌دهد که با توجه به آموزه‌های قرآن کریم و اصول مشترک اسلامی، امکان همگرایی و اتحاد در بین مسلمانان وجود دارد و برای غلبه بر چالش‌های موجود، نیاز به تلاش‌های جمعی و همدلانه در راستای تحقق این هدف داریم.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

منابع

- قرآن کریم.
- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، نشر مروارید، ۱۳۹۴، ج ۲۴.
- خاطرات مستر همفر، ترجمه استاد علی کاظمی، ۱۳۷۰ چاپ ۴.
- درویش پور، حجت الله، بررسی پدیده ناسیونالیسم در جهان عرب، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ چاپ اول.

- دهخد، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، نشر موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ج ۴۹.